



* لایحه جدید پیشنهادی جرایم مرتبط با مواد مخدر به مجلس؛
بازدارنده یا تشدیدکننده

* چراغ سبز نمایندگان مجلس به تغییر قانون اعدام مجرمان
مربوط به مواد مخدر

* قوانین مربوط به مواد مخدر در کشورهای عربی

* جایگزینی حکم اعدام با توجه به قوانین شرعی

مجریان قانون و افراد
پرنفوذ در نظام، بخشی از
چرخه قاچاق مواد مخدر
هستند

گام حقوق

سال دوم، شماره ۲۹ - ۲۶ بهمن ۱۳۹۴ / ۱۵ فوریه ۲۰۱۶

امیدها برای کاهش اعدام



چراغ سبز نمایندگان مجلس به تغییر قانون اعدام مجرمان مربوط به مواد مخدر



جایگزینی حکم اعدام با
توجه به قوانین شرعی

قوانین مربوط به مواد مخدر در
کشورهای عربی



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر: مدیر سمیع نژاد

تحریریه: علی مهتدی، شیدا جهان بین، آیدا قجر

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

این شماره در حقوق ما می خوانید:



لایحه جدید پیشنهادی
جرایم مرتبط با مواد مخدر
به مجلس؛ بازدارنده یا
تشدیدکننده

مجریان قانون و افراد پرنفوذ در نظام،
بخشی از چرخه قاچاق مواد مخدر هستند
در گفتوگو با محمود امیری مقدم



شش ماه حبس و از دست دادن شغل به دلیل شرکت در تجمعات مسالمت آمیز و نوشتن در فیس بوک

اسماعیل (زرتشت) احمدی راغب، فعال مدنی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت او به اتهام تبلیغ علیه نظام از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب شهریار به شش ماه حبس محکوم شده است و همچنین باید در تاریخ ۱۸ اسفند ماه برای اتهام دیگرش «اخلال در نظم عمومی» در دادگاه شعبه ۱۰۴۴ مجتمع قضایی شهید قدوسی حضور یابد. این فعال مدنی به کمپین گفت او به زودی درخواست تجدید نظر برای حکم شش ماه حبس خود را به دادگاه ارائه خواهد کرد.

این فعال مدنی به کمپین گفت: «در تیرماه ۱۳۹۴ از پلیس امنیت شهریار یک احضاریه دریافت کردم که در آن نوشته بود بر حسب دستور قضایی باید برای پاره ای از سوالات به آنجا مراجعه کنم اما چون دستور قضایی به نامه پیوست نشده بود من هم نرفتم. چند روز بعد که برای شرکت در تجمع اعتراضی به وضعیت زندانیان در میدان ونک شرکت کرده بودم، چند نفر از ماموران پلیس امنیت به منزل من رفته و وسایل خانه ام را تفتیش کرده بودند. در آن زمان فرزندانم در خانه بودند که هجوم ماموران و تفتیش خانه باعث ترس شان شده بود.»

اسماعیل احمدی در ادامه گفت: «فردای آن روز برای پیگیری علت تفتیش خانه ام به پلیس امنیت رفتم. آنها من را به بازپرسی دادسری دادگاه انقلاب شهریار فرستادند، در آنجا و چند سوال و جواب از من شد و بعد اتهام تبلیغ علیه نظام به من تفهیم شد. پس از تفهیم اتهام با گذاشتن سند مغازه به عنوان قرار وثیقه آزاد شدم. پس از آن هم طی احضاریه ای به من ابلاغ شد که باید روز ۲۷ بهمن ماه در دادگاهم شرکت کنم.»

این فعال مدنی با اظهار اینکه یکی از مستندات اتهام تبلیغ علیه نظام نوشته ها و عکس هایش در فیسبوک تلقی شده به کمپین گفت: «یکی از موارد نوشته ها و عکس هایم در فیسبوک بود و عبارت «حاکمیت مذهبی دیکتاتوری» که چند بار در نوشته هایم به آن اشاره کرده بودم. همچنین از مصادیق دیگر اتهام حضور در مقابل کانون وکلا در حمایت از نسرین ستوده، ملاقات با مادر ستار بهشتی و شرکت در تجمعات در حمایت از زندانیان سیاسی عنوان شد. به من می گفتند که هیچکدام از این تجمعات با مجوز نبوده و من به طور غیرقانونی در این تجمعات شرکت کرده ام.»

آقای احمدی گفت: «چند روز پیش حکم شش ماه حبس به من ابلاغ شد و ۲۰ روز فرصت دارم تا درخواست تجدید نظر به حکم دادگاه را بدهم.»

آرش صادقی، فعال سابق دانشجویی به ۱۵ سال زندان محکوم شد

آرش صادقی، فعال سابق دانشجویی، می گوید دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی او را به ۱۵ سال زندان محکوم کرده است. آقای صادقی، رادیو فردا گفت که همسرش، گلرخ ایرانی نیز به شش سال زندان محکوم شده است.

آقای صادقی اتهامات خود را اجتماع و تبانی علیه نظام، توهین به بنیان گذار جمهوری اسلامی، تبلیغ علیه نظام و تشکیل گروه غیر قانونی و اتهامات همسرش را توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام عنوان کرد.

این فعال سابق دانشجویی همچنین از محکومیت به نام موسیوند و نوید کامران، دو تن از دوستان خود به ۱۸ ماه زندان به علت تبلیغ علیه نظام خبر داده است..



اسماعیل احمدی بار دیگر در تاریخ دوم آذر ماه ۱۳۹۴ در تجمع اعتراضی به وضعیت زندانیان سیاسی در میدان ونک در مقابل ساختمان لاستیک دنا به همراه برخی از تجمع کنندگان دستگیر شد. به گفته آقای احمدی، در آن روز ۴ نفر از مردها و ۱۰ نفر از زنان تجمع کننده توسط نیروهای پلیس دستگیر شدند. این فعال مدنی پس از ۱۴ روز بازداشت در تاریخ ۱۶ آذر ماه آزاد شد.

آقای احمدی درباره این بازداشت به کمپین گفت: «در بازداشتگاه وزرا کمی از ما سوال و جواب شد و بعد به دادسرای اوین منتقل شدیم و آنجا هم بازجویی شدیم و به ما اتهام اخلال در نظم عمومی تفهیم شد و به بند هشت زندان اوین منتقل شدیم و زنان هم به زندان قرچک منتقل شدند. من در روز ۱۶ آذر ماه آزاد شدم و حالا باید روز ۱۸ اسفند ماه برای این اتهام به دادگاه مراجعه کنم.»

این فعال مدنی که دارای دو فرزند است به کمپین گفت پس از آزاد شدنش از زندان شغل خود را از دست داده است. آقای احمدی راغب گفت: «من کارمند شهرداری هستم و ۱۴ سال سابقه کار دارم اما پس از اینکه آزاد شدم طی نامه ای با من تسویه حساب و اخراج کردند. من به اداره کار شکایت کردم و خوشبختانه کارشناسان اداره کار، نامه بازگشت به کار من را به شهرداری فرستادند اما مجددا شهرداری من را نپذیرفت، دوباره شکایت کردم و دوباره اداره کار نامه بازگشت من به کار را برای شهرداری فرستاد. این روزها دوباره به سرکاربری گردم و امیدوارم دیگر مشکلی پیش نیاید.»



آقای صادقی، دانشجویی اخراجی دانشگاه علامه طباطبایی است که در شهریور ۹۳ توسط قرارگاه ثارالله اطلاعات سپاه بازداشت شد.



دستگیری پیمان کوشک باغی در زمان ملاقات با همسرش آزیتا رفیع زاده در اوین

«پیمان کوشک باغی» همسر «آزیتا رفیع زاده» زندانی بهایی، پیش از ظهر امروز یکشنبه ۹ اسفندماه ۱۳۹۴، در زمانی که به ملاقات همسرش به زندان اوین مراجعه کرده بود دستگیر شد. به گزارش زیتون این شهروند بهایی در سالن ملاقات زندان اوین و در زمانی بازداشت شده که گفته شده «موفق به دیدار همسرش نیز نشده است.» برخی از فعالان مدنی گفته اند که «پیمان کوشک باغی» به دلیل اجرای حکم ۵ سال حبس خود بازداشت شده است.

این در حالی است که «آزیتا رفیع زاده»، شهروند بهایی و مدرس موسسه آموزشی عالی بهاییان (BIHE) نیز هم اکنون در حال سپری کردن حکم پنج سال زندان خود در بند زنان زندان اوین است.

پیش تر «پیمان کوشک باغی» به اتهام همکاری با دانشگاه بهاییان بازداشت و محاکمه شده بود. او در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴، و همسرش «آزیتا رفیع زاده» در خردادماه ۱۳۹۳، از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی «مقیسه»، به اتهام «عضویت در تشکیلات غیرقانونی بهائیت با هدف اقدام علیه امنیت کشور از طریق فعالیت غیر قانونی در موسسه آموزشی (BIHE)» به ترتیب به تحمل ۵ و ۴ سال حبس تعزیری محکوم شدند.

حکم «آزیتا رفیع زاده» در بهمن ماه ۱۳۹۳ و همچنین حکم «پیمان کوشک باغی» در مهرماه ۱۳۹۴، از سوی دادگاه تجدیدنظر تایید و به اجرای احکام ارسال شد. این زوج بهایی پیش تر در اول خردادماه ۱۳۹۰، به دنبال هجوم نیروهای امنیتی به منازل اساتید موسسه «آموزش عالی بهاییان» بازداشت شدند. «نیروهای امنیتی مطالب مربوط به دیانت بهایی، از جمله کتابها و عکسهای روی دیوار، دیوارنوشته ها و جزوه ها و سی دی ها، لپ تاپ و هارد کامپیوتر آنها را صورتجلسه کرده و با خود می برند.»

آنها پس از اخذ تعهد مبنی بر قطع همکاری با این «دانشگاه غیر قانونی» و همچنین قید وثیقه ۵۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شدند. «آزیتا رفیع زاده» ۳۵ ساله به همراه همسرش «پیمان کوشک باغی»، فرزند ۶ ساله ای به نام «بشیر دارند» که در مقطع پیش دبستانی تحصیل می کند. مادر این فرزند پیش تر از «خدابخشی» معاون دادستان درخواست کرده بود که حکم او و همسرش همزمان اجرا نشود تا یکی از آنها بتواند از فرزند خردسالشان مراقبت کند. در مقابل «خدابخشی» گفته: «هیچ ماده قانونی وجود ندارد مگر اینکه رفت اسلامی شامل حالتان بشود.»

«آزیتا رفیع زاده» از سال ۱۳۸۱ با موسسه عالی آموزشی بهاییان (BIHE) همکاری و در رشته مهندسی کامپیوتر تدریس کرده است. او دوره کارشناسی مهندسی کامپیوتر را در موسسه آموزش عالی بهاییان (BIHE) گذرانده و مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز در همین رشته از دانشگاهی در هند دریافت کرده است.

سید مصطفی تاجزاده به چهار ماه حبس دیگر نیز محکوم شد



فخرالسادات محتشمی پور، همسر سید مصطفی تاجزاده خبر از محکومیت جدید این زندانی سیاسی به چهار ماه زندان دیگر داد.

به گزارش زیتون، این محکومیت به دلیل غیبت چندروزه تاجزاده در آخرین مرخصی اش صادر شده است. در حالی آن سازمان زندانها مصطفی تاجزاده را محکوم به حبس به دلیل غیبت کرد که پس از اعزام تاجزاده به مرخصی، با استناد به قانون جدید مجزات اسلامی و تجمیع مدت حبس، عملاً حکم وی به پایان رسیده بود. اما تنها پس از چند روز با تماس دادستانی متوجه شد که قرار نیست قانون جدید مجزات شامل حالش شود و به زندان بازگشت. با این حال به دلیل تاخیر چندروزه طبق قوانین داخلی سازمان زندانها به اشد مجازات، که تشدید حبس است، محکوم شد.



لایحه جدید پیشنهادی جرایم مرتبط با مواد مخدر به مجلس؛ بازدارنده یا تشدیدکننده

دانا دادبه

گسترش مصرف مواد مخدر و افزایش خرید و فروش آن در کشور در کنار تلفات انسانی ناشی از مبارزه با مواد مخدر، باعث شده تا در برهه‌های مختلف زمانی، قوانین سختی برای مجازات مجرمان و قاچاقچیان مواد مخدر در نظر گرفته شود. در این میان مجازات اعدام، به عنوان بالاترین و سخت‌ترین مجازات برای فروشندگان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر در نظر گرفته شده است. حاصل این قوانین این بوده است که در کنار افزایش شمار افرادی که به مبادله مواد مخدر در کشور اقدام می‌کنند، آمار اعدام زندانی‌ها نیز افزایش پیدا کند.

ردپای اعدام مجرمان مرتبط با مواد مخدر در قوانین ایران در ایران برای پیشگیری از جرایم و اصلاح مجرمان مرتبط با مواد مخدر، از سال ۱۲۸۹ (دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی) تاکنون، قوانین و مقرراتی وضع شده است که آخرین اقدام، تهیه‌ی «پیش‌نویس قانون مبارزه با مواد مخدر» است که از طرف ستاد مبارزه با مواد مخدر به مجلس شورای اسلامی تسلیم شده است. این لایحه‌ی پیشنهادی ۱۴۱ ماده و ۸۳ تبصره دارد و نسبت به قوانین سابق، کامل‌تر است.

مجازات اعدام مجرم‌ها مرتبط با مواد مخدر که از سال ۱۳۳۸ در قوانین به وفور دیده شده و در قانون اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۷۶، ۱۴ مورد را شامل می‌شد، در لایحه‌ی پیشنهادی فعلی، فقط برای هفت مورد پیش‌بینی شده است.

با وجود اینکه آمار رسمی و شفاف‌ی از میزان اعدام مجرمان در دست نیست اما تازه‌ترین آمار منتشر شده نشان می‌دهد که بیشترین میزان اعدام‌ها در میان مجرمان مواد مخدر صورت می‌گیرد. بر این اساس، بیش از ۷۵ درصد از اعدام‌ها در سال ۱۳۹۱ و ۶۲ درصد از اعدام‌ها در سال ۱۳۹۲ مربوط به مجرمان حوزه مواد مخدر بوده است. همچنین ۸۰ درصد

اعدامی‌های سال ۱۳۹۳ را نیز مجرمان مواد مخدر تشکیل داده‌اند.

با وجود آمار بالای اعدام این گروه از مجرمان در برابر افزایش روزافزون فروشندگان و تهیه‌کنندگان مواد مخدر، به نظر می‌رسد کارکرد بازدارندگی اعدام در این حوزه از بین رفته است و این در حالی است که این اعدام‌ها در فضای بین‌المللی و از دریچه حقوق بشر نیز وضعیت ایران را تحت الشعاع خود قرار داده است.

به همین دلیل ۷۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی برای اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به کمیسیون حقوقی مجلس ارائه داده‌اند. نمایندگان در این طرح، مجازات جایگزینی را پیشنهاد کرده‌اند که با تصویب آن، مجازات اعدام در خصوص مواد مخدر فقط در قاچاق مسلحانه اعمال خواهد شد.

اعدام تعزیری در قاچاق مسلحانه

در تعریف فقهی و قانونی ایران، اعدام شدیدترین مجازاتی است که در قوانین جزایی پیش‌بینی شده است و به طور معمول نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که جرایمی را مرتکب می‌شوند که برای جامعه خطرناک و به طور حتم قابل اصلاح نخواهند بود. به طور کلی بر اساس قانون مجازات اسلامی سه نوع اعدام وجود دارد:

اعدام «قصاص» که در قبال قتل عمد اجرا می‌شود و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن پررنگ است و آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می‌کند و اجازه ولی فقیه و دیگر عوامل نیز در آن مؤثر است.

اعدام «حدی»، مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده و نمی‌توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد. این مجازات شامل جرایم جنسی، جرایم علیه امنیت ملی و فراوانی تکرار جرم است. اعدام «تعزیری»، مجازات مرگی است که از سوی حاکم معین می‌شود. اعدام تعزیری در قوانین ایران سه دلیل دارد: مصلحت فرد و جامعه، افساد فی‌الارض و نهی از منکر.

اکنون با توجه به تعریف‌های بالا به نظر می‌رسد اعدام مجرمان مواد مخدر از نوع اعدام تعزیری است که بر اساس شرایط زمانی و منافع جامعه علیه مجرمانی که سلامت اجتماعی و روانی افراد و جامعه را به خطر می‌اندازند، اعمال

می‌شود.

نقص‌های قانون فعلی و لایحه پیشنهادی به مجلس درباره جرائم مرتبط با مواد مخدر

قانون فعلی مبارزه با مواد مخدر و همچنین لایحه پیشنهادی به مجلس هر دو نقایصی دارند که ضرورت اصلاح آن‌ها بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در قانون فعلی ۱۴ مورد مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر مقرر شده که در بسیاری از آن‌ها نمی‌توان نشانه‌ای از هدف اصلاح مجرم و عبرت جامعه دید و همین موضوع ضرورت تبدیل مجازات اعدام را به مجازات‌های دیگر می‌طلبد. از سوی دیگر لایحه جدید پیشنهادی به مجلس نیز هنوز مجازات اعدام را برای قاچاقچیان مسلح پیش‌بینی کرده است. مجازاتی که تا به امروز نشان داده است عاملی بازدارنده نیست و چه بسا آمار قاچاقچیان مسلح بیشتر و بیشتر شده‌اند و حتی همین موضوع امنیت کشورهای دیگر را نیز به خطر انداخته است.

ایراد دیگری که در قانون فعلی و لایحه پیشنهادی دیده می‌شود این که عبارات و متن قانون باید به نحوی باشد که قاضی بتواند عوامل مؤثر در پدید آمدن جرم را نیز در صدور حکم مجازات، لحاظ کند و حتی بتواند با کارشناسان و متخصصان روان‌شناسی، آسیب‌شناسی اجتماعی به صورت موردی مشاوره داشته باشد. این در حالی است که قانون‌گذار

در هیچ یک از دو قانون مذکور موارد بالا را در نظر نداشته است.

مهم‌تر از همه این که مجازات‌های اعدام حتی در مورد قاچاق مسلحانه در لایحه پیشنهادی باید قابل تجدیدنظر باشد تا جان انسانی که ممکن است گناهکار نباشد، از روی خطا و اشتباه گرفته نشود.

جالب این جاست که اگر به احکام اعدام صادر شده در جرایم مواد مخدر در مراجع قضایی مراجعه کنیم می‌بینیم که قاضی غالباً اقرار می‌کند چون در قانون مکلف به صدور حکم مجازات اعدام بوده، حکم مجازات اعدام صادر کرده است و قصد دارد برای مجرم تخفیف قائل شود چرا که در جریان رسیدگی، به ویژگی‌های شخصیتی مجرم و عوامل پدیدآورنده جرم و پی آمدهای آن پی برده و دور از وجدان خود و عدالت می‌داند که مجرم اعدام شود، اما قانون راه تخفیف در مجازات اعدام را بر او بسته است.

در مورد هفت مورد اعدام معین شده در لایحه پیشنهادی نیز شایان ذکر است که اصطلاحاً می‌گویند هر تعزیر باید دون من الحد باشد. بالاترین حد، اعدام است. آیا این حد است که کسی را برای ۵ گرم مواد هروئین اعدام کنیم؟ اگر حد است تحت چه عنوانی حد است؟ اگر هم حد نیست و تعزیر است پس تعزیر نمی‌تواند اعدام باشد. تعزیر باید کمتر از اعدام باشد. بنابراین پیش‌بینی اعدام برای مجازات جرائم مرتبط با مواد مخدر حتی مبنای شرعی محکمی ندارد.

به دنبال راهکارهای جایگزین

هر چند اعدام مجرمان مواد مخدر ممکن است در نگاه عمومی جامعه موضوعی پذیرفتنی باشد اما افزایش آمار اعدام در یک دهه گذشته ایران در کنار افزایش جرایم مواد مخدر باعث شده است تا برخی از سیاستگذاران به دنبال راهکاری باشند



که علاوه بر برخورد سخت با سرشاخه های پخش و توزیع مواد مخدر، مجازاتی به نسبت ملایم تر برای افراد کمتر درگیر با این جرم داشته باشد.

تعدادی از حقوقدانانی که مجازات اعدام را می‌پذیرند در این زمینه معتقدند که اصل اعدام برای توزیع کنندگان مواد مخدر پذیرفتنی و غیرقابل تغییر است اما می‌توان در مجازات خرده فروشان یا کسانی که به دلیل بیکاری و برخی از مسایل جامعه، در دام تبهکاران گرفتار شده‌اند، تفاوت قائل شد.

آن‌ها معتقدند در مبارزه با مواد مخدر به جای شاخه باید ریشه‌های شاخه‌ها را بخشکانیم چراکه بعضی مواقع مشاهده می‌شود که سر تیم قاچاق مواد مخدر در جایی نشسته و کمتر کسی توان مبارزه با او را دارد.

نا گفته نماند اگرچه تمامی کارشناسان در اصل موضوع تجدیدنظر در اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر تاکید دارند اما باید به این موضوع نیز توجه داشت که با صرف میلیاردها هزار تومانی که صرف نگهداری افراد متخلف در زندان‌ها می‌شود، باید از ورود مواد مخدر به کشور قبل از ورود به عرصه برخورد جلوگیری کرد. تجربه نشان داده است ورود بسیاری از مواد

مخدر و روان گردان به هم‌دستی قاچاقچیان با پلیس و نیروی انتظامی متصل است. این به معنی این است که قاچاقچیان ایران بدون هماهنگی با سازمان‌های داخلی نمی‌توانند کار خود را پیش ببرند. بنابراین اولین اقدام پیشگیرانه در خصوص این موضوع، ممانعت از ورود این مواد به مرزهای کشور است.

راه‌حل‌های پیشنهادی به جای مجازات اعدام جرایم مرتبط با مواد مخدر، اعم از آن که مربوط به فرایند قاچاق و عرضه باشد یا مصرف و اعتیاد، از جرایم و گناهای نیست که در نصوص فقهی و احکام اسلامی برای آن‌ها حدود خاص، معین شده باشد و قانونگذار می‌تواند با توجه به ویژگی‌های مرتکب، اوضاع و احوال ملی و بین‌المللی، مقتضیات زمان و ارزش‌های فرهنگ اجتماعی، در راستای اهداف اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی دیگران، مجازات‌های پیشگیرانه و بازدارنده، حتی بر اساس عدالت ترمیمی، برای آن مقرر کند.

برای مثال در مورد کسی که بیش از سی گرم هروئین حمل می‌کند، در هیچ یک از منابع فتوا (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مجازاتی معین نشده و قانونگذار الزامی به مقرر کردن مجازات اعدام ندارد و همان‌طور که گفته شد مجازات‌های این قبیل جرایم باید با توجه به میزان تبعات سوء و زیان‌های بهداشتی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... که دارد، معین شود و اعمال گردد. البته چنانچه جرایم جانبی مانند قتل، سرقت، ایراد ضرب، جرح و دیگر جرایم از این قبیل که در فقه اسلامی حدود و تعزیراتی برای آن‌ها مقرر شده در فرایند قاچاق و مصرف مواد مخدر اتفاق افتد، مجازات‌های قانونی خود را دارد.

بنابراین قانونگذار مجازات شلاق را که در عرف ملی و بین‌المللی قابل توجیه و پذیرش نیست، می‌تواند از مجازات‌های مواد مخدر

حذف کند. از سوی دیگر مدافعان حقوق بشر و حقوقدانانی که مخالف مجازات اعدام هستند پیشنهاد می‌کنند به جای اعدام، مجازات‌های بازدارنده دیگر که از انواع مختلفی برخوردارند، جایگزین شوند. حقوقدانانی هم که هنوز معتقدند مجازات اعدام برای قاچاقچیان مسلح می‌تواند بازدارنده باشد، معتقدند مجازات اعدام را باید به مواردی محدود شود که از مصادیق واقعی و قطعی افساد فی‌الارض بوده و یا مجازات‌های دیگر بازدارنده نباشند.

همچنین یکی دیگر از راه‌کارهای پیشنهادی این است که مجازات حبس که در سطح جهانی در حد اعدام و شلاق مذموم نیست و در قانون کنونی موارد متعددی از جرایم مواد مخدر را شامل می‌شود، به مواردی محدود شود که مجازات‌های جایگزین مانند خدمات عام‌المنفعه، حبس در خانه، اجرای عدالت ترمیمی و مجازات‌هایی از این قبیل، مؤثر نباشند.

در پایان به نظر می‌رسد مناسب‌ترین مجازات‌ها برای بسیاری از جرایم مرتبط با مواد مخدر، مصادره‌ی اموال به دست آمده از قاچاق مواد مخدر، جریمه‌ی نقدی و انواع مختلفی از محرومیت از حقوق اجتماعی است.



مجریان قانون و افراد پرنفوذ در نظام، بخشی از چرخه قاچاق مواد مخدر هستند

در گفت‌وگو با محمود امیری‌مقدم



آیدا فجر

مدتی‌ست که بحث لایحه تبدیل مجازات جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر مطرح شده که موافقت‌ها و مخالفت‌های بسیاری در سطح مسوولان جمهوری اسلامی به دنبال داشته است. لایحه‌ای که البته جزئیاتی از آن منتشر نشده و تنها در این حد است که مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر تعدیل داشته باشد. از سوی دیگر در شروط آن ذکر شده که در صورتی این حکم تعدیل پیدا می‌کند که اقدامی «مسلحانه» اتفاق نیفتد.

برای بررسی سوابق جمهوری اسلامی در خصوص تغییر قوانین و آن‌چه در خصوص متهمان جرایم مربوط به مواد مخدر در جریان است با محمود امیری‌مقدم، سخن‌گوی سازمان حقوق بشر ایران گفت‌وگو کردیم تا ضمن بررسی این سابقه، با توجه به تجربه این سازمان در ارتباط با متهمان و زندانیان، از کاستی‌های مطرح در این پرونده‌ها صحبت کنیم.

به گفته وی گزارش جدید این سازمان در خصوص اعدام به زودی منتشر خواهد شد اما امسال نیز آمار اعدام به شدت بالا بوده است.

در ادامه متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانید:

با توجه به تجربه تعدیل مجازات که مثال آن ممنوعیت اعدام متهمان زیر ۱۸ سال بود، آیا می‌توان در صورت تصویب این لایحه مطمئن بود که ضمانت اجرایی در آن وجود دارد و دست جمهوری اسلامی برای ادامه اعدام‌های مربوط به این جرم بسته خواهد شد؟ با توجه به این‌که هنوز متن دقیقی منتشر نشده نمی‌توان در مورد آن اظهارنظر دقیقی کرد. اما به گفته رای‌دهندگان این لایحه حکم اعدام برای اتهامات مربوط به مواد مخدر که شامل قاچاق مسلحانه نمی‌شود لغو خواهد شد. این اقدام به خودی خود گام مثبتی تلقی می‌شود اما بایستی به خاطر داشت که در سال‌های اخیر هر زمان که جواد لاریجانی در سازمان ملل یا مسوولان نظام در داخل کشور در این خصوص اظهارنظری کرده‌اند وقوع اعدام را با حرکت‌های مسلحانه و تروریستی مرتبط دانستند، در حالی‌که هیچ مدرک و سندی نیز در این خصوص ارائه نداده‌اند. دو سال پیش من با نایب رییس دفتر جرایم مربوط به مواد مخدر سازمان ملل صحبت کردم که گفت سال‌هاست از ایران در همین خصوص تقاضای رایحه

مدارک و سند شده اما هیچ‌وقت پاسخی دریافت نشده است. در صورت تصویب این لایحه اما ما همچنان با مشکل دادرسی عادلانه مواجهیم. تمامی این متهمان توسط دادگاه‌های انقلاب و پشت درهای بسته محاکمه می‌شوند. در مواردی که ما با متهم یا خانواده‌اش صحبت کردیم حتی دسترسی به وکیل نیز در این پرونده‌ها وجود ندارد یا اگر هست، متهم وکیل خود را تنها ۱۵ دقیقه پیش از برگزاری دادگاه ملاقات کرده و حکم نیز بر اساس اعتراف‌های متهمان در زمان بازداشت صادر شده است. در حالی‌که به طور سیستماتیک افرادی را که به این اتهام دستگیر می‌کنند هفته‌های اول در بازداشت‌گاه یا ستادهای مبارزه با مواد مخدر مورد بدرفتاری و شکنجه قرار می‌دهند. ما چندین گزارش در این خصوص داریم که متهم ابتدا ادعای بی‌گناهی کرده اما طی چند هفته به تمامی اتهام‌های مطرح اعتراف کرده است. در نتیجه هرچقدر تغییر این قانون را گام مثبتی ارزیابی کنیم، مساله دادرسی عادلانه همچنان باقی‌ست.

خانم مهرانگیز کار چندی پیش در گفت‌وگو با تلویزیون اعدام بس است گفت هنگام وکالت در ایران از سوی دادگاه انقلاب به سراغ او آمده بودند تا وکالت‌نامه‌های متهمان مواد مخدر را امضا کند. بدون آن‌که با متهمان در ارتباط بوده یا ملاقاتی داشته باشد. حتی گفته بودند که هزینه وکالت را نیز پرداخت می‌کنیم اما قرار نبود از کسی دفاع شود.

مشکل بعدی که این لایحه با آن مواجه است گذشتن از سد شورای نگهبان است. زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی هیچ‌کدام از طرح‌هایی که نمایندگان مجلس بارها در خصوص بهبود وضعیت حقوق بشر ارائه داده بودند به تصویب شورای نگهبان نرسید. این مانع نیز جدی است.

یکی از مثال‌های رفتار ضد و نقیض جمهوری اسلامی در خصوص قوانینی که خود وضع می‌کند را می‌توان در نمونه اعدام متهمان زیر ۱۸ سال دانست که در سوال قبل نیز مطرح شد. اگر قبول داشته باشیم که جان هر یک انسان ارزشمند است، ما در سال گذشته تعدادی از این افراد را داشتیم که اعدام شدند.

نه تنها نقض شد بلکه در سال ۲۰۱۴ بالاترین تعداد اعدام نوجوانان را در ۲۰ سال گذشته جمهوری اسلامی داشتیم. در این سال ۱۴ نفر به دار آویخته شدند که ما می‌توانیم تایید کنیم هنگام ارتکاب به جرم زیر ۱۸ سال داشتند. طبق آماري که ما و مجامع بین‌المللی داشتیم چنین آماري از تعداد نوجوان بزهکار در ۲۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده. در واقع قوانینی وضع می‌کنند که در آن شرط و شروط قرار می‌دهند. همین قانون اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال شرط موخره‌ای داشت که قاضی می‌تواند تایید کند که متهم هنگام ارتکاب به جرم به رشد عقلی کامل رسیده بوده. پس هیچ تضمینی وجود ندارد و باز هم قدرت تصمیم‌گیری بر عهده قاضی قرار گرفته و نه قانون.

طرح این لایحه موافقان و مخالفان بسیاری در داخل نظام جمهوری اسلامی در پی داشته. فکر می‌کنید با توجه به این جهت‌گیری‌ها سرانجام این لایحه به چه سمت و سویی خواهد بود؟

جمهوری اسلامی در حال حاضر با زبان مختلف درباره اعدام متهمان مواد مخدر صحبت می‌کند. تنها در یک سال گذشته اظهارنظر با موضع‌گیری جواد لاریجانی که وابسته به قوه قضاییه است آغاز شد. پس از او صادق لاریجانی نیز به همان شکل از آمار بالای اعدام برای اولین بار ابراز ناراضی کرد و هر دو گفتند باید در قانون بازنگری کرد چون منجر به پیشگیری از قاچاق نشده است. در واقع قوه قضاییه که همیشه به تندروری متهم است اولین علامت اعتدال از سوی او بود. بلافاصله بعد از این اظهارات، آقای رحمانی‌فضلی، وزیر کشور دولت یازدهم در اسفند ماه سال گذشته به قوه قضاییه هشدار داد که این قوه نباید هیچ رحمی نسبت به قاچاقچیان داشته باشد و مجازات همان طناب دار است. پس از او، آقای روحانی موضع‌گیری کرد. تا پیش از آن نه رییس جمهور و نه وزیر امور خارجه در خصوص اعدام‌ها موضعی نگرفته بودند. اما روحانی در گفت‌وگو با روزنامه‌ای ایتالیایی در پاسخ به بالا بودن آمار اعدام پاسخ قدیمی قوه قضاییه را مطرح کرد که این افراد اعدامی قاچاقچی مواد مخدر هستند و اگر اعدام نشوند به اروپا می‌آیند. در واقع از اعدام هم دفاع کرد. ایشان غیرمستقیم گفت که اعدام‌ها قسمتی از مبارزه ما علیه قاچاق است. در هفته‌های گذشته نیز آقای ظریف همین حرف‌ها را در پارلمان اروپا زد.

در واقع از طرفی قوه قضاییه از تغییر قانون صحبت کرده اما دولت برعکس آن را هشدار داده است.

آقای صفاییان عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در مقابل حرف قوه قضاییه را تایید کرده که اعدام‌ها در پیش‌گیری هیچ تاثیری نداشته است. بلافاصله بعد از او رییس نیروی انتظامی ناجا گفت اعدام باید باقی بماند. انگار از کل نظام فقط مانده آقای خامنه‌ای در این خصوص اظهارنظر بکند. اظهارات کل نظام ضد و نقیض است ولی آن‌چه ضد و نقیض نیست آمارهاست. آمار اعدام‌ها در سال ۲۰۱۵ در خصوص جرایم مربوط به مواد مخدر با اعدام‌های اواخر سال‌های ۶۰ هم‌خوانی دارد. این اعدام‌ها درست همین سالی اتفاق افتاده که تمامی این بحث‌ها در جریان بوده است. یعنی بالاترین تعداد اعدام‌ها را حداقل در ۲۰ سال گذشته، همین سال گذشته داشته‌ایم.

آمار دقیق این اعدام‌ها چقدر در چه زمینه‌هایی است؟

از آن جایی که قرار است گزارش سالیانه ما هفته آینده منتشر بشود نمی‌توانم آمار دقیق بدهم اما می‌توانم در این حد بگویم بیش از ۶۰۰ نفر فقط برای اتهام‌های مربوط به مواد مخدر اعدام شده‌اند. فکر می‌کنم به جای آن‌که به اظهارنظرات مسوولان نظام بپردازیم بایستی به عمل کرد آن‌ها بنگریم. تنها شاخص قابل اندازه‌گیری ما همین است. می‌بینیم که اعدام‌ها با شتابی بیش از پیش ادامه دارد. متأسفانه تاکنون هیچ علامت عملی مبنی بر پایین بردن آمار اعدام‌ها مشاهده نکرده‌ایم.

در تجربه‌های کشورهای دیگر چنین است که وقتی می‌خواهند در جرایم جنایی قانونی را تغییر بدهند اجرای حکم و مجازات‌ها را به شکل تعلیق در می‌آورند، خصوصا در مجازات اعدام که قابل برگشت نیز نیست. هدف آن است که اگر بحثی در جریان قرار دارد و طرح یا لایحه‌ای مطرح شده به نتیجه برسد و بعد تصمیم نهایی اتخاذ شود. اما متأسفانه در ایران چنین نبوده است.

بخشی از آمارهای اعدام قاچاق مواد مخدر مربوط به شهروندان افغانستانی است. فکر می‌کنید در کنار تمام این بحث‌های مطرح، در صورت تصویب این لایحه وضعیت آن‌ها بهتر یا بدتر خواهد شد؟

در این موارد نوعی بی‌قانونی حاکم است. ما طبق قانون اساسی اصولی داریم که شکنجه ممنوع است و اعتراف زیر شکنجه نیز سندیت ندارد. از طرفی دسترسی به وکیل بایستی آزاد باشد. اصولی که البته خصوصا در مورد متهمان افغانستانی رعایت نمی‌شود. در واقع همان‌طور که پیش‌تر توضیح دادم بخشی از مشکل ما به قوانین مربوط است اما بخشی دیگر به عدم اجرای همین قوانین برمی‌گردد. قربانیان چنین بی‌قانونی معمولا ضعیف‌ترین افراد جامعه هستند که شهروندان افغانستانی متأسفانه در این گروه قرار می‌گیرند. به طور



کلی اگر به لیست متهمان اعدام شده مواد مخدر نگاه کنیم متوجه می‌شویم که آن‌ها افراد به حاشیه رانده شده جامعه از لحاظ اجتماعی و اقتصادی هستند. در زندان‌های بلوچستان و ارومیه تعداد زیادی از اعدام‌های مخفی مربوط به همین متهمان است. یعنی گروه‌های اتنیکی. متهم از لحظه بازداشت بایستی به وکیل دسترسی داشته باشند اما افغانستانی‌هایی که چندین سال پیش در زندان وکیل آباد اعدام شدند، به ما گفته بودند تا به زمان اجرای حکم به هیچ وکیلی دسترسی نداشته‌اند.

در شبکه‌ی وکلایی که شما با آن‌ها در ارتباطید آیا مواردی داشتید که وکیلی ایرانی وکالت یک متهم افغانستانی را برعهده بگیرد؟ با توجه به این که بسیاری از وکلا هستند که دفاع از پرونده‌هایی را داوطلبانه برعهده می‌گیرند. اما در مورد متهمان افغانستانی کم‌تر چنین مساله‌ای پیش آمده.

معمولا پس از دستگیری متهمان، خانواده‌های آن‌ها پرونده‌شان را پیگیری می‌کنند. خانواده‌های خیلی از این متهمان یا در ایران نیستند یا قدرت و نفوذ چندانی ندارند. البته یک‌سری از وکلا هستند که واقعا داوطلبانه برای افراد به حاشیه رانده شده فعالیت کرده و از آن‌ها دفاع می‌کنند. اما فکر می‌کنم اگر خانواده متهمان به سراغ وکلا بروند تعدادی از آن‌ها هستند که قبول کنند. ولی این نکته مهم است که در این پرونده‌ها وکیل هیچ قدرتی ندارد. چون هم اعتراف اتفاق افتاده و هم بررسی پرونده در اختیار دادگاه انقلاب است.

یکی از این متهمان به من گفته بود هیچ مدرکی علیه او پیدا نشده. از او پرسیدم چرا شکایت نمی‌کند؟ پاسخ داد حکم اعدام دارم و می‌ترسم اگر شلوغ کنم حکم را سریع‌تر اجرا کنند.

البته ما در مورد افغانستانی‌ها احساس می‌کنیم تغییراتی پیش آمده. ولی به این شکل که اعدام آن‌ها را اعلام نمی‌کنند. چند سال پیش اعتراض‌هایی در کابل و هرات مقابل کنسولگری‌های جمهوری اسلامی نسبت به اعدام شهروندان افغان در ایران صورت گرفت. فکر می‌کنم همین مساله باعث شد که جمهوری اسلامی در خصوص آن‌ها معتدل‌تر پیش برود یا تمامی اعدام‌ها را اعلام نکنند. از طرفی دیگر طبق قانون بین‌الملل وقتی شهروندی خارجی دستگیر و متهم می‌شود، کنسولگری یا سفارت آن کشور باید مطلع شود و پیگیری وضعیت حقوقی شهروندش را انجام دهد. تا جایی که ما می‌دانیم این اقدام صورت نمی‌گیرد. از طرف دیگر فکر می‌کنم دولت افغانستان هم آن‌طور که باید فعالانه از این متهمان دفاع نمی‌کند. اگر آن‌ها شهروند انگلیس بودند احتمالا وضعیت متفاوتی داشتند. شهروندان اروپایی به عنوان مثال توجه دیگری می‌گیرند.

در بعضی از شهرها قاچاقچیان سرشناسی وجود دارند که حتی محل زندگی‌شان هم نشان از درآمدهای بسیار بالاست و اهالی محل به صراحت می‌دانند صاحب عمارت یکی از بزرگ‌ترین قاچاقچیان است. در عین حال طبق گزارش‌های مختلف می‌دانیم که اعدام‌هایی که جمهوری اسلامی در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر انجام می‌دهد گریبان‌گیر خرده‌فروش‌هاست. بحث‌های بسیاری نیز از دست داشتن سران جمهوری اسلامی در قاچاق مواد مخدر وجود دارد. آیا سند و مدرکی درباره دست داشتن مسوولان نظام در این خصوص دارید؟

چندین بار به ما گفته شده متهمانی از قاچاقچیان کلان در زندان هستند که بعد از یک هفته بازداشت به مرخصی رفته‌اند. در حالی‌که به همراه داشتن بیش از ۳۰ گرم هرویین، متافتامین یا شیشه حکم اعدام دارد. یا مثلا زنی که سرپرست فرزندان‌اش است و برای حمل بسته‌ای کوچک حکم اعدام دریافت کرده. ما به دنبال آن نرفتیم که بگوییم چرا قاچاقچیان عمده اعدام نمی‌شوند چراکه ما اساسا با اعدام مخالفیم. اما گزارش‌هایی به دستمان رسیده که نشان‌دهنده همین موضوع است. یعنی افرادی در رده‌های بالای زنجیره مواد مخدر هستند که نه تنها حکم اعدام ندارند بلکه یا زودتر آزاد می‌شوند یا از حق مرخصی برخوردارند. اما آن‌هایی که اعدام می‌شوند اکثرا حامل مواد مخدر هستند. عجیب است که جمهوری اسلامی با این همه ادعا سران باند‌های قاچاق را بازداشت نمی‌کند.

وقتی در واحد ۲ زندان قزلحصار که محکومان اعدامی را نگهداری می‌کنند خرید و فروش مواد مخدر آن‌هم با قیمتی بیشتر از بیرون زندان صورت می‌گیرد، باید پرسید چه کسانی مواد مخدر را به داخل زندان آورده‌اند. خود این مساله نشان می‌دهد که حداقل قسمتی از چرخه قاچاق مواد مخدر در اختیار مجریان قانون یا افراد پرنفوذ در نظام است.



قوانین مربوط به مواد مخدر در کشورهای عربی



بررسی‌ها و تحقیق‌های مختلف نشان می‌دهد که به شکل کلی استفاده از مواد مخدر در کشورهای عربی به اندازه مصرف در اروپا یا آمریکا رواج ندارد، ولی درصد استفاده و تجارت مواد مخدر در این کشورها ظرف ده سال اخیر آمار رو به رشدی را نشان می‌دهد.

بر اساس تحقیق ستاد مبارزه با مواد مخدر کویت، سه عامل وجود دارد که نشان می‌دهد استفاده از مواد مخدر در کشورهای عربی رو به افزایش است و مجازات‌هایی که تاکنون برای مبارزه با مواد مخدر در نظر گرفته شده، نتوانسته از شیوع بیش از پیش استفاده از این مواد جلوگیری کند:

۱- افزایش بی‌سابقه افرادی که در ارتباط با استفاده یا تجارت مواد مخدر بازداشت شده‌اند.

۲- افزایش و گوناگونی انواع مواد مخدوری که در جریان قاچاق از کشورهای عربی به خصوص کویت، کشف و ضبط می‌شوند که این امر نشان می‌دهد درخواست برای مواد مخدر در این کشورها زیاده‌تر از قبل شده است.

۳- تنوع و قیمت‌های متفاوت مواد مخدر که نشان می‌دهد مواد مخدر بین قشرهای مختلف مردم با درآمدهای متفاوت رواج بیشتری یافته است.

در زمینه استفاده، تجارت و مبارزه با مواد مخدر، کشورهای عربی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- کشورهای تولیدکننده حشیش و سایر مواد مخدر، مثل لبنان، سودان و مراکش

- کشورهایی که مواد مخدر از آنها ترانزیت می‌شود تا به مصرف‌کننده برسد، مثل سوریه، اردن و لبنان

- کشورهایی که شاهد بیشترین استفاده از مواد مخدر هستند، مثل مصر سوریه، عربستان و یمن

وزارت کشور مصر اخیراً آماری منتشر کرده که حاکی از افزایش بی‌سابقه استفاده از مواد مخدر در میان مردم این کشور به خصوص قشر جوان دارد. بر اساس این آمار، میزان پولی که برای خرید مواد مخدر در مصر هزینه می‌شود برابر با نیمی از درآمد مصر از صادرات (به جز نفت)، تمام درآمد مصر از کانال سوئز، کل درآمد این کشور از توریسم و نیمی از درآمد کارگران مصر است.

کشورهای عربی تبدیل شده است. کویت به کشورهای تولیدکننده و صادرکننده مواد مخدر نزدیک است به طوری که بیشترین حجم مواد مخدر ضبط شده در ده سال اخیر در این کشور، موادی هستند که در افغانستان تولید شده و از طریق ایران به کویت وارد می‌شوند تا با توجه به درآمد بالای افراد در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به این کشورها قاچاق شود. در نتیجه کویت عملاً به دروازه مواد مخدر در حاشیه جنوبی خلیج فارس تبدیل شده و دولت این کشور به خاطر فشار دیگر کشورهای عربی همسایه، قوانین سخت‌گیرانه‌ای را در مبارزه با مواد مخدر تصویب کرده است.»

قطر نسبت به دیگر کشورهای عربی خاورمیانه، مجازات کم‌تری برای مصرف‌کنندگان مواد مخدر در نظر گرفته است. طبق قانون مصوب ۱۹۹۳ این کشور هر کسی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر یا مصرف آن دستگیر شود به سه سال حبس و ده هزار ریال جریمه یا هر دو محکوم می‌شود.

نکته قابل ذکر در مورد مجازات‌های مربوط به مواد مخدر در کشورهای عربی این است که مجازات‌ها برای خارجی‌ها نیز کاملاً مانند شهروندان بومی این کشورها در نظر گرفته شده است. این موضوع در سال‌های اخیر مشکلات زیادی را برای کشورهای عربی و روابط بین آنها ایجاد کرده است، تا جایی که کمپین‌های مختلفی در این کشورها تشکیل شده که عمدتاً دو خواسته را مطرح می‌کنند. اول این که کشورهای حاشیه خلیج فارس مجازات‌های هماهنگی در مورد مواد مخدر تصویب کنند و دوم این که برای خارجی‌ها استثناهایی قایل شوند.

به عنوان مثال استفاده از ماده مخدر موسوم به «قات» در یمن ممنوع نیست. آمار دولت یمن قبل از شروع درگیری‌ها در این کشور حاکی از این بود که بیش از هشتاد درصد مردم این کشور از قات استفاده می‌کنند. بسیاری از اتباع یمن که به دیگر کشورهای عربی منطقه مسافرت می‌کنند با خود برگ قات حمل می‌کنند که در دیگر کشورهای منطقه ممنوع بوده و در رده مواد مخدر قرار گرفته است. بدین ترتیب بسیاری از یمنی‌ها در دیگر کشورهای عربی درگیر پرونده‌های قضایی طولانی‌مدت و سوء سابقه شده و رفت و آمد آنها به این کشورها با مشکلاتی مواجه شده است.

امارات عربی متحده از جمله کشورهای عربی است که در جرایم مربوط به مواد مخدر، قوانین نسبتاً متفاوتی با دیگر همسایگان خود دارد. در این کشور، استفاده شخصی مواد مخدر بین یک تا سه سال زندان دارد و تجارت این مواد حداکثر با ده سال زندان مجازات می‌شود. در مقابل، افرادی که دیگران را به استفاده از مواد مخدر تشویق می‌کنند به پنج سال زندان محکوم می‌شوند. همچنین اگر کسی مکانی را برای استفاده از مواد مخدر فراهم کند، به ده تا پانزده

می‌شود که مواد مخدر را خریداری کرده یا اقدام به فروش آن کنند.

با این حال تفاوت قانون بحرین با کویت در این است که بحرین برای مصرف‌کننده مواد مخدر جریمه کم‌تری در نظر گرفته است در حالی که کویت تفاوتی بین مصرف‌کننده و فروشنده قایل نیست. بحرین برای هر کسی که به جرم استفاده از مواد مخدر دستگیر شود، سه سال زندان یا سه هزار دینار جریمه یا هر دو با هم را در نظر گرفته است.

در قانون بحرین همچنین این نکته ذکر شده که در صورت سفارش وزیر بهداشت، می‌توان مصرف‌کننده مواد مخدر را به جای زندان به بیمارستان فرستاد. فعالان بحرینی در سال‌های گذشته کمپینی را تشکیل داده و خواستار تفاوت قایل شدن بین فروشنده مواد مخدر و مصرف‌کننده شدند. این کمپین به عنوان یک راه‌حل پیشنهاد داد که افراد معتادی که دستگیر می‌شوند در بیمارستان مداوا شده و پس از خروج از بیمارستان به مدت یک سال، هر ماه آزمایش ادرار بدهند تا بدین ترتیب بار دیگر دچار مصرف مواد مخدر نشوند.

هاشم الرفاعی وکیل کویتی در توضیح سخت‌گیری‌های دولت کویت در جرایم مربوط به مواد مخدر گفت: «کویت در سال‌های گذشته به مرکز ترانزیت مواد مخدر به دیگر

چراغ سبز نمایندگان مجلس به تغییر قانون اعدام مجرمان مربوط به مواد مخدر

شیدا جهان بین



اعدام افرادی که در رابطه با مواد مخدر در ایران بازداشت و مجازات می‌شوند، باعث شده است که هر ساله توجه تعداد زیادی از رسانه‌ها، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و سازمان ملل به این رویداد جلب شود. بر اساس قوانین جزایی ایران، کسانی که دست به تولید، قاچاق و یا حمل پنج کیلوگرم یا بیشتر تریاک و ۳۰ گرم یا بیشتر هروئین، مرفین و یا مواد روان‌گردان ترکیبی خاص و غیرطبیعی نظیر شیشه می‌زنند، با مجازات اعدام روبرو می‌شوند. به همین دلیل است که در نشست‌های بین‌المللی که با حضور نماینده‌های ایران برگزار می‌شود، همواره در مورد اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در ایران بحث می‌شود. چنان‌که احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر در مورد ایران نیز در بررسی‌ها و داوری‌های خود، به صراحت بر این مقوله انگشت گذاشته و نسبت به شمار غریب اعدام در ایران اعتراض کرده است.

مقام‌های ایرانی پیش از این همواره تأکید کرده بودند که مجازات اعدام برای جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر «نقش بازدارنده» دارد، اما تمامی سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر مخالفت خود را با اجرای حکم اعدام در ایران، بارها اعلام کرده‌اند و از آن جایی که حدود هشتاد درصد از اعدام‌هایی که در ایران صورت می‌گیرد، این مساله برجسته‌تر نیز جلوه کرده است.

در دسامبر ۲۰۱۴، شش سازمان شش سازمان غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر شامل دیدبان حقوق بشر، سازمان حقوق بشر ایران، ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام، سازمان بین‌المللی کاهش آسیب، بنیاد عبدالرحمن برومند و سازمان رپریو، از اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل خواسته بودند تا کمک‌های مالی خود به ایران را تا زمان لغو مجازات اعدام برای مجرمان مواد مخدر به حالت تعلیق در بیاورد. هفتم دی ۱۳۹۴ جواد لاریجانی، دبیر «ستاد حقوق بشر قوه قضاییه



سال حبس محکوم می‌شود. تمامی این احکام در مورد کسانی است که برای نخستین بار دستگیر می‌شوند. در صورت بازداشت فرد به اتهام مشابه برای دومین بار، امکان صدور حکم حبس ابد برای متهم وجود دارد.

عربستان از جمله کشورهای عربی است که بیش‌ترین شدت عمل را در برخورد با جرایم مربوط به مواد مخدر دارد. عربستان از معدود کشورهای عربی منطقه است که برای جرایم مربوط به مواد مخدر حکم اعدام در نظر گرفته است. این کشور به تازگی قانون جدیدی را تصویب کرده که انتظار می‌رود با اجرای آن، شمار اعدام‌های ناشی از خرید و فروش و مصرف مواد مخدر در این کشور افزایش یابد.

بر اساس قانون جدید، صدور حکم در مورد مواد مخدر به امرای مناطق مختلف تفویض شده و آنها موظف هستند تا قبل از صدور حکم، از نظر شرعی نیز دلایلی متقن بر محکومیت فرد در اختیار داشته باشند. فعالان عربستانی بر این باور هستند که اجرای این قانون باعث نوعی هرج و مرج در جرایم مربوط به مواد مخدر شده و راه را برای سوء استفاده افراد باز می‌کند.

بر اساس آمار سازمان عفو بین‌الملل، عربستان از جمله کشورهایی است که بیشترین تعداد اعدام مرتبط با مواد مخدر در آن صورت می‌گیرد به طوری که در سال گذشته میلادی ۹۲ مورد اعدام در ارتباط با این جرایم در عربستان اجرا شده است.

از جمله تغییراتی که در قوانین مبارزه با مواد مخدر عربستان ایجاد شده، تخفیف جرم برای دانشجویان است. ماده ۴۲ قانون مبارزه با مواد مخدر، شروطی را مشخص کرده که اگر در مورد دانشجویی با اتهام مواد مخدر صدق کند، آنگاه مجازات‌های خاصی برای آن در نظر گرفته می‌شود:

- سن دانشجو از بیست سال بیشتر نباشد
- دانشجو تنها مصرف‌کننده مواد بوده و در کار توزیع آن نباشد
- سوء سابقه نداشته باشد
- جرم مربوط به مواد مخدر در مورد دانشجو همزمان با جرایم اخلاقی نباشد
- در حال رانندگی تحت تاثیر مواد مخدر بازداشت نشده باشد

- در هنگام بازداشت مقاومت نکند
در صورتی که دانشجوی بازداشتی شروط ذکر شده را دارا باشد، آن گاه به سه ماه زندان یا پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شود.

به شکل کلی، برخی کشورهای عربی در مبارزه با مواد مخدر از قوانین سنتی مبتنی بر پیش‌گیری پیروی می‌کنند مثل مصر و امارات که از قوانین فرانسه و آمریکا الگوبرداری کرده‌اند. در مقابل برخی از دیگر کشورهای عربی مانند کویت و عربستان بر سیاست مجازات‌های شدید تأکید دارند.

گفت که «این طرح بسیار خام است و هنوز در کمیسیون از سوی کارشناسان بررسی نشده است.»

همچنین براساس اظهارات نمایندگان مجلس ایران، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، با اصلاح و بازنگری قوانین مربوط به اعدام مجرمان مواد مخدر در مجلس یا ارائه لایحه‌ای از سوی قوه قضائیه برای تصویب آن در مجلس موافقت کرده است. اما ارائه این طرح به مجلس، مخالفانی را نیز با همراه داشته است. علی مؤیدی، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر، با انتقاد از این طرح و مخالفت قاطع با آن، گفته است موضوع، صرفاً قاچاق مواد مخدر نیست «بلکه این جرمی است که جرایم دیگر از آن متأثر می شود». عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور و رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز در مصاحبه‌ای با خبرگزارس مهر اعلام کرد: «درآمد قاچاقچیان مواد مخدر در ایران در سال، بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان است. این یعنی اینکه ایران بهشت معتادان شده و یک قاچاقچی با توجه به ریسک بالای قاچاق بدون ترس، شانس خود را برای پول‌دار شدن از راه ترانزیت مرگ تجربه می‌کند. وقتی هم از ستاد مبارزه با مواد مخدر در مورد سند ملی کاهش اعتیاد یا موضوع مبارزه بهتر در موضوع قاچاق مواد مخدر سوال می شود توپ توی زمین سایر نهادها انداخته شده و پاسخی را دریافت نمی‌کنیم. حالا فعلاً بازی با معتادان آغاز شده و رسانه‌ها سرگرم جمع آوری ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ معتاد متجاهر در شهر تهران هستند در حالی که قانون‌گذاران وارد موضوع کاهش مجازات قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر شده اند.» محمدرضا حبیبی رئیس دادگستری استان یزد نیز در گفتگویی با خبرگزاری مهر در مورد مخالفت‌ای با این طرح چنین می گوید: «با توجه به تجربیات گذشته ثابت شده که هر چقدر کوتاه بیاییم و مجازات‌ها را تعدیل کنیم آنها جلوتر می آیند و پیشروی می کنند. این به آن دلیل است که سود آنها آنقدر زیاد بوده که حاضرند دست به هر خطری بزنند. همچنین شاهد هستیم که احکام حبس همیشه تا آخر اجرایی نشده و بر اساس رافت اسلامی و عفو‌هایی که به مناسبت‌های مختلف شامل حال زندانیان می شود مانع مجازات آنها شده است. این در حالی است که بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر جهان یعنی افغانستان را در بیخ گوشمان داریم که با حمایت آمریکایی‌ها ورود مخدرهای سنتی و صنعتی به ایران را در دستور کار خود قرار داده اند. من مخالف این طرح هستم.»

در دی ماه سال جاری نیز، ستاد مبارزه با مواد مخدر در پورتال این ستاد، در گزارشی با عنوان «اعدام یک مجازات بازدارنده علیه قاچاقچیان موادمخدر» با بررسی تاریخی صدور مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر، مخالفت خود را با این طرح اعلام کرده است.

به عقیده بسیاری از فعالان سیاسی، دور جدید مناسبات ایران و غرب می‌تواند مقامات شورای اسلامی را وادار به اعمال تعدیل‌هایی در مورد اجرای احکام اعدام و نشان دادن چهره‌ای مهربان‌تر کند. این به معنای رفع تبعیض و نقض حقوق بشر در ایران نیست اما گامی مثبت در جهت کاهش اعدام در ایران به شمار می‌آید.

جایگزینی حکم اعدام با توجه به قوانین شرعی

بازنشر از شماره ۲۱ مجله حقوق ما

مخالفت با اعدام یا به قول امروزی‌ها «نه به اعدام» سابقه‌ای چندین ساله در ایران دارد. سال‌ها پیش کمپین نه به اعدام در ایران شکل گرفت و در پی آن فعالان حقوق بشری با همراهی وکلای این حوزه دست به دست هم دادند تا برای لغو این حکم از احکام مجازات در ایران تلاش کنند. تلاش‌هایی که تا لگام - کمپین لغو گام به گام اعدام - پیش رفت و بانیان آن زندانی شدند. به مانند بسیاری از فعالان حقوق بشری که در اثر مخالفت با این حکم به زندان افتادند و چه بسا مجبور به ترک وطن شدند.

در کمپین‌ها و مخالفت‌ها با حکم اعدام «حق حیات» به عنوان یکی از حقوق بنیادین حقوق بشر مطرح است که هیچ انسانی مجاز به گرفتن این حق از انسان دیگری نیست. اگرچه کشورهای بسیاری این حکم را در قوانین خود به حالت تعلیق درآورده یا از میان برداشته‌اند اما هنوز هستند کشورهای که بر لزوم وجود اعدام تاکید می‌ورزند. به طور مثال هنوز برخی از ایالت‌های آمریکا اعدام را در احکام قضایی خود دارند و برخی دیگر از کشورها نیز با وجود تعلیق این حکم، در مواردی خاص به آن بازگشته‌اند.

در گزارش نهایی سالانه بان‌کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل نیز رشد آمار اعدام در ایران یکی از موارد نگران کننده است. این گزارش سوم مهر ماه به عنوان سندی بین‌المللی منتشر شد. در این گزارش، بان‌کی‌مون از جمهوری اسلامی به دلیل اجرای متعدد این حکم و آن‌چه اعدام نوجوانان و محکومیت افراد قبل از سن مسوولیت کیفری عنوان شده، انتقاد کرده است.

با این وجود همچنان آمار اعدام در ایران بالاست و هر ساله افزایش نیز می‌یابد. در عین‌حال جامعه مدنی ایران چه در داخل و چه خارج از کشور در صدد است تا از راه‌های مختلف مخالفت خود را با اعدام بیان کند و بر اصل حق حیات انسان‌ها تاکید ورزد. با این وجود جایگزینی برای اعدام پیشنهاد نشده؛ جز حبس ابد. به هر دلیلی اما زندان و حبس انگار نمی‌تواند شاکیان پرونده را راضی کند و آن‌طور که در شبکه‌ها و ابزارهای اجتماعی روزانه هم‌خوان

می‌شود: اعدام همچنان یکی از مجازات‌هایی است که در جامعه نیز پذیرفته شده؛ همان‌طور که برای اعدام در ملاعام بسیاری از مردم، موبایل به دست مشغول به تماشا می‌ایستند.

برخی نیز معتقدند که با حذف اعدام نمی‌توان به عدالت در مجازات رسید؛ به طور مثال فردی که قتل زنجیره‌ای انجام داده را نمی‌توان با شخصی که یک نفر را کشته مقایسه کرد و بایستی در مجازات آن‌ها نیز عدالت داشت. بدان معنا که نمی‌توان هر دو متهم را به حبس ابد محکوم کرد.

برای روشن‌تر شدن عدالت در مجازات و جایگزینی اعدام با محمد اولیایی‌فرد، حقوق‌دان و وکیل دادگستری که اکنون در کانادا زندگی می‌کند، گفت‌وگو کرده‌ایم.

اولیایی‌فرد پیش از هر چیز معتقد است که افراد مختلف معمولاً به دلیل «مخالفت سیاسی» وارد حوزه حقوق بشر می‌شوند؛ بدان معنا که مخالفت‌های سیاسی خود و «تنفیری را که از جمهوری اسلامی دارند» به این حوزه می‌کشاند: «در حالی که در حوزه حقوق بشر ما سه جنبه انتقادی، تشویقی و راهکار داریم. مثلاً شما از اعدام انتقاد می‌کنید اما اگر آمار آن پایین بیاید، باید حکومت را تشویق کنید. یا اگر حکومت به این مساله ادامه می‌دهد بایستی راهکار ارائه دهید. الان همه می‌گویند «نه به اعدام» اما چه راهکاری دارند؟ باید با توجه به موقعیت و شرایط هر کشوری، راهکاری برای جایگزینی اعدام پیدا کرد و نمی‌توان با یک جمله کلی برای تمام کشورها یک نسخه را تجویز کرد.»

در مورد کشور ایران اما اعدام به دو بخش تقسیم می‌شود؛ اعدام‌هایی که بر مبنای شریعت صورت می‌گیرد و دیگری مجازاتی که دولت انجام می‌دهد؛ هر چند اقدام دولت نیز برگرفته از شریعت است. اما به گفته اولیایی‌فرد اعدام‌هایی را که در اختیار خود حکومت است را می‌توان بدون انکار شریعت تغییر داد؛ مانند بحث مواد مخدر.

این حقوق‌دان در این خصوص توضیح داد: «اعدام‌هایی که در شریعت است و حکومت اعتقاد دارد که نمی‌توان آن‌ها را به همین دلیل از میان برداشت نیز به دو قسمت حدود و قصاص

تقسیم می‌شود. تعزیر نیز که در اختیار حکومت است؛ قابلیت انعطاف‌پذیری دارد. انتقاد نخست ما به سیستم قضایی ایران این است که روی تعزیر تاکید زیادی دارد. در حالی که بر اساس شریعت هم می‌توان در تعزیر مجازات‌ها را تغییر داد. در حال حاضر بدنامی ایران بیشتر مربوط به بخش مواد مخدر است. یعنی بین ۶۰ تا ۷۰ درصد اعدام‌ها به بحث مواد مخدر ارتباط دارد و اگر این مساله حل شود، میزان اعدام‌ها در ایران به حدود ۳۰ درصد میزان فعلی می‌رسد. معقول نیست اما خیلی کم‌تر از میزان فعلی خواهد بود. به این ترتیب ایران از زیر بار فشارهای بین‌المللی خارج خواهد شد. اما متأسفانه این مساله هم زیر فشار سیاسی قرار گرفت که اگر پذیرفته شود انگار تسلیم تصمیم غرب و حقوق بشر غرب شده‌اند.»

به گفته اولیایی‌فرد اعدام‌ها در جنبه تعزیر در حوزه مواد مخدر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است و از این طریق نیز قابلیت تغییر دارد: «من احساس می‌کنم که عده‌ای از این اعدام‌ها فایده سیاسی می‌برند که نمی‌خواهند تغییرش دهند. آبروی ایران به خاطر نوعی از اعدام از بین می‌رود که می‌توان آن را برطرف کرد. فایده سیاسی اما می‌تواند این باشد که ایران خود را کشوری بدون انعطاف نشان دهد که به کسی باج نمی‌دهد. در حالی که اگر عقل و منطق درستی وجود داشته باشد با حذف اعدام از قوانین ایران و استفاده از مجازات‌های جایگزین آبروی ایران و منافع ملی حفظ می‌شود. این جا شک ایجاد می‌شود که آیا این‌ها واقعا دل‌سوز کشور هستند؟»

طبق آمار منتشر شده توسط سازمان حقوق بشر ایران و دیگر نهادهای حقوق بشری، اعدام نقش بازدارنده‌ای ندارد و میزان وقوع جرم در ایران هر روز بالاتر می‌رود. در واقع اصل مجازات که بایستی بازدارندگی باشد به واقعیت تبدیل نمی‌شود. پس به چه جایگزینی می‌توان اندیشید؟

اولیایی‌فرد در پاسخ به این سوال گفت: «یکی از دلایلی که کمپین‌های نه به اعدام تاکنون موفق نشده این است که در حوزه شریعت حرفی برای گفتن نداشته. موضوع به نوعی سفید و سیاه شده است. جمهوری اسلامی می‌گوید شریعت و اعدام، مخالفان نیز می‌گویند که شریعت را قبول نداریم و نه به اعدام. در حالی که شریعت را بایستی با شریعت جلو رفت. اگر به شریعت نه بگوییم، از راه‌حل معقول در خصوص ایران فاصله گرفته‌ایم. اگر بخواهید به اعدام نه بگویید نمی‌توانید بگویید که شریعت را قبول ندارید چون قوانین جمهوری اسلامی طبق شریعت وضع شده است. در نتیجه در حال حاضر برای یک راه‌کار عملی باید وارد حوزه شریعت شد و از آن طریق برای لغو اعدام راهکاری پیدا کرد.»

به گفته این وکیل دادگستری بر اساس پژوهش‌های محققان دینی، اعدام‌هایی که در شریعت وجود دارند بر چند قسم هستند که یکی از آن‌ها بحث «قصاص» است: «می‌شود گفت قصاص را انکار نمی‌کنیم؛ اما بنا به نظر بسیاری از فقها این حکم قابل تعطیل کردن است. مثلا می‌گویند قصاص از ضرورت‌های دین نیست. ضروریات دین مسایلی است که تعطیل‌پذیر نیستند مثل توحید و نبوت یا به طور کلی اصول دین؛ اما احکامی وجود دارند که تعطیل‌پذیرند؛ اولیه و ثانویه دارند. مثلا درباره روزه با وجود تاکیدهای بسیار و تهدید به شلاق و جریمه در اثر روزه‌خواری، اما افراد مریض نباید روزه بگیرند.»

«در واقع می‌توان بر اساس منفعت فردی و جمعی، مسالی که ضرورتی بر آن‌ها نیست با اصل قبول داشتن، موقتا کنار گذاشته

شوند. ولی فقیه، مرجع تقلید یا مجتهد می‌تواند اظهار دارد که آبروی امت اسلام به خاطر اجرای قصاص در خطر است یا مثلا اجرای قصاص فایده‌ای ندارد و آمار جرم را کاهش نمی‌دهد؛ در نتیجه فعلا آن را به حالت تعلیق در می‌آوریم و مجازات جایگزین تعیین می‌کنیم. در این‌جا دیگر اولیای دم نیستند که تصمیم می‌گیرند بلکه حاکم شرع است که می‌گوید من رضایت می‌دهم و حق اولیای دم هم دیه است. مساله جرم را هم بایستی بررسی کند و بین یک تا ده سال زندان را با توجه به شدت جرم تعیین کند. یا با استناد به مواردی چون غیرعمد بودن قتل یا عدم وجود نقشه و برنامه‌ریزی قبلی می‌توان جرم را کم‌تر در نظر گرفت. بایستی قبول کرد که در شریعت هم راهکارهایی وجود دارد.»

برخی اما معتقدند که با «نه» گفتن به اعدام، اصل جرم یا مجرم بودن متهم زیر سوال می‌رود و با لغو این مجازات، متهم تبرئه می‌شود؛ در حالی که «ها اگر می‌گوییم اعدام نه، به معنای سالم بودن مجرم یا تبرئه او نیست. بحث فقط این است که اعدام انجام نشود؛ اما قاتل یا مجرم به مجازات خود برسد. باید پذیرفت که جرمی واقع شده، نظم و امنیت کشور و جامعه به هم ریخته و مجازات هم در کار خواهد بود. اما برخی از فعالان حقوق بشر که به اعدام نه می‌گویند برای شخصی که ۲۰ کیلو مواد مخدر حمل می‌کرده دلیل می‌آورند که گناهی نداشته. به دلیل این‌که این افراد تخصصی ندارند یا اغراض سیاسی را داخل می‌کنند. به هر حال ما در صدد تبرئه جمهوری اسلامی نیستیم اما نمی‌خواهیم از برخی «نه به اعدام»‌هایی که بدون شناخت ایران است هم صرفا حمایت کنیم.»

اولیایی‌فرد همچنین معتقد است که نه گفتن به اعدام صرفا برداشتن مجازات یا جایگزینی آن نیست؛ بلکه بایستی بستر آن نیز فراهم شود: «به طور مثال جرایمی مانند مواد مخدر زمینه‌های اقتصادی دارد. باید مشخص شود که علت قاچاق مواد مخدر چیست. اگر فقر است باید رفت دنبال رفع مشکل فقر. یا مثلا بی‌کاری یا دیگر مشکلات اقتصادی. گاهی قاچاق مواد مخدر سازمان یافته است. باید ریشه این مساله را پیدا کرد. باید مشخص شود که چه کسانی در حکومت در مساله مواد مخدر نقش دارند. گاهی رشته‌هایی از داخل حکومت یا سازمان‌های دولتی قاچاق می‌کنند. به نظر من همان‌ها هستند که می‌خواهند اعدام برداشته نشود؛ زیرا در این صورت بازارشان گرم می‌شود و قیمت مواد مخدر نیز بالا می‌رود.»

این حقوق‌دان در ادامه توضیح یافتن جایگزین برای حکم اعدام، به «حدود» اشاره کرد که سومین مساله در صدور حکم اعدام است: «حدود نیز بر دو بخش است. بخش اول جرایمی‌ست مانند شراب‌خواری که اتفاقا در حدود شریعت به قدری سخت‌گیری شده که کسی نمی‌تواند وقوع آن را اثبات کند. مثلا اگر دفعه سوم کسی شراب بخورد، اعدام می‌شود. اما کدام فرد عاقلی برای سومین بار اعتراف به شراب‌خواری می‌کند؟»

این وکیل دادگستری در ایران پرونده‌ای در خصوص «زنا» داشت که قاضی از او خواسته بود مساله را حل کند تا مجبور به صدور حکم «سنگسار» نشود: «پرونده متعلق به پنج زن متاهل و پنج مرد بود که در یک باغ دستگیر شده بودند. قاضی می‌گفت این پرونده روی دست من مانده، مانعی بتراش که موکلین اقرار نکنند. این را صادقانه می‌گویم که امروز قاضی به دنبال این نیست که ثابت کند فردی سه بار شراب خورده و بعد حکم اعدام صادر کند.»

اولیایی‌فرد به عنوان نمونه به تعدیل مجازات سنگسار اشاره کرد که

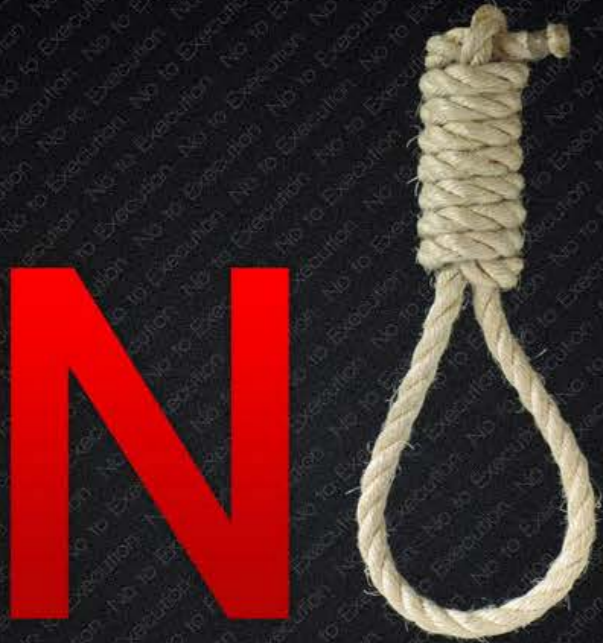
«الان مدت‌هاست انجام نمی‌شود. مگر نه این‌که آیت‌الله شاهرودی سنگسار را تعطیل کرد؟ گفت رجم را قبول داریم؛ اما در حال حاضر اجرا نمی‌کنم. آیت‌الله شاهرودی که فقیه است مجازات سنگسار را کنار گذاشت اما یک قاضی در قزوین خودسرانه این کار را انجام داد و بعد هم مورد توبیخ قرار گرفت.»

«به نظر من در شریعت تمام آن‌چه در اسلام سخت‌گیری شده، می‌تواند به سادگی کنار برود. مثلا می‌گویند شما نباید دزدی کنید؛ اما اگر گرسنه و در شرایط اضطرار باشید به اندازه یک نوبت و برای سیر کردن خودتان، می‌توانید دزدی کنید. در حال حاضر درباره رجم، کافی است که شما بگویید مسافرت بودم و به همسرم دسترسی نداشتم یعنی می‌توان برای همه این موارد راهکار پیدا کرد. در خصوص اعدام زیر ۱۸ سال نیز قانون جدید اصل مساله را حذف نکرده؛ اما دو راه‌حل جدید پیش‌بینی کرده که یا باید ثابت شود که نوجوان به رشد عقلی نرسیده یا اطلاعی از مجازات نداشته است.»

این حقوق‌دان معتقد است که به طور مثال قانون اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال پس از یک دهه به جایی رسیده که برای آن راه‌حل یا راه‌کار ارایه داده شده و «ممکن است که یک دهه بعد به طور کلی حذف شود. یعنی زمانی می‌گفتند حتما باید اعدام شود ولی الان مشروط شده است. ممکن است که ده سال بعد هم وجود نداشته باشد. مثلا اگر یک قاضی بنویسد که به نظر من این نوجوان به رشد عقلی نرسیده است، اعدام کنار می‌رود؛ اما مجازات دارد. ما نمی‌توانیم همه چیز را با هم حل کنیم. بلکه باید کم‌کم جلو رفت.»

«مثلا درباره اعدام محارب می‌گویند چطور نه به اعدام؟ پاسخ ما این است که جرم سیاسی را تعریف کنید، هیات منصفه بگذارد و افکار عمومی را نیز از جریان مطلع کنید. اگر افکار عمومی هم اعدام متهم را خواسته باشند، می‌توانیم بگوییم که چون حیات انسان دست خداست و مرگ هم باید دست او باشد می‌توان اعدام را حذف کرد. فرض کنیم نهایتا برای فردی که اصلاح‌پذیر نیست، قاتل زنجیره‌ای است اگر به اعدام معتقد نباشیم می‌توانیم او را از جامعه جدا کنیم. مثل اتفاقی که در کشورهای غربی افتاده است. در تمام دنیا با قاتلان برخورد سنگین می‌شود. این که اعدام نمی‌کنند بدین معنا نیست که با متهم یا مجرم خوب برخورد می‌شود. بلکه او را به طور مثال به جزیره‌هایی می‌فرستند که مجرم روزی صد بار می‌خواهد خود را بکشد.»

با وجود صحبت‌های این حقوق‌دان اما آن‌چه از جامعه و دستگاه قضایی ایران برمی‌آید ناچیز شمردن زندان و جدایی انسان از جامعه است. در حالی که به گفته اولیایی‌فرد «زندان مجازات است اما الان حتی جمهوری اسلامی نیز زندان را مجازات خاصی نمی‌داند. در اعدام، فیزیک مجرم را از او می‌گیری اما با زندان روح او را به بند می‌کشی. وقتی یک نفر بدون حق آزادی مشروط زندانی شود یعنی همین به بند کشیدن روح او. مثلا در بعضی از کشورها برای جرم‌های سنگین احکامی چون زندان با یا بدون عفو یا آزادی مشروط پیش‌بینی شده است. در نهایت این‌که به نظر من در این خصوص در ایران می‌توان دو کار انجام داد: یکی راه‌کار حقوقی و یکی هم راه‌کار از موضع شریعت. بدون مطالعه شریعت برای «نه به اعدام» در ایران راه‌کاری وجود نخواهد داشت و اتفاقی هم نخواهد افتاد.»



محمد جواد لاریجانی: معتقدم قانون مواد مخدر باید تغییر کند



محمدجواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه که برای شرکت در سی و یکمین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل به ژنو رفته است در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌ان‌ان درباره شمار اعدام‌ها در ایران، اعدام نوجوانان و اعدام برای جرایم مواد مخدر، گفت: «متأسفانه ۹۰ درصد اعدام‌ها در ایران به دلیل جرایم مرتبط با قاچاق مواد مخدر است و ما برای تغییر این قانون تلاش می‌کنیم قانونی که فکر می‌کنم تاکنون نتیجه مورد نظر را در پی نداشته است. درباره اعدام نوجوانان نیز باید بگویم که ما در حال حاضر نیز چنین کاری انجام نمی‌دهیم.»

به گزارش خبرگزاری ایسنا وی در پاسخ به سئوالی درباره برخی گزارشات مبنی بر اعدام تمام مردان یک روستا به دلیل جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر، اظهار کرد: شما باید بدانید که جمعیت مردان روستایی که تنها ۵ یا ۶ خانواده در آن زندگی می‌کنند ۵،۶ نفر خواهد بود که ممکن است همگی در جرایم مواد مخدری دست داشته باشند، اما من این موضوع را پیگیری می‌کنم؛ چرا که در رسانه‌های ایران نیز شاهد خبرهایی در این زمینه بوده‌ام. این تمام جامعه نیست، هر چند که قطعاً شمار اعدام‌ها بالاست که اغلب هم مربوط به قاچاق مواد مخدر است اما می‌تواند یک روستا کوچک هم باشد. دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه تصریح کرد: من معتقدم قانونی که نتیجه مورد نظر را در پی ندارد باید تغییر کند. ما در این میان به دو چیز نیاز داریم؛ یک مبارزه ملی با قاچاق مواد مخدر چون مواد مخدری که در افغانستان کاشت و برداشت می‌شود در نهایت به خارج از این کشور می‌رود که ما قربانی این مسیر هستیم و از طرف دیگر نیز باید با معضل اعتیاد در سطح کشور مقابله کنیم.

وی در پاسخ به این سئوال که منظور شما از تغییر این قانون توقف اعدام‌های مرتبط با جرایم مواد مخدر است، گفت: بله. چون سبب می‌شود تا ۹۰ درصد اعدام‌ها حذف شود و این یک کاهش چشمگیر است. این یک گام بزرگ برای محقق کردن این رویکرد است.

شهیندخت مولاوردی، معاون رئیس جمهور ایران در امور زنان و خانواده، با انتقاد از حذف قوانین حمایت از



خانواده‌های اعدامی در برنامه پنجم توسعه، گفت: «ما روستایی را در سیستان و بلوچستان داریم که تمامی مردان آن روستا اعدام شده‌اند.» معاون رئیس جمهور در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر گفت: «موارد بسیاری سراغ داریم که مرد خانواده به دلیل مواد مخدر یا هر جرم دیگری به زندان افتاده و قانون اموال وی را مصادر کرده است در حالی که یک آپارتمان کوچک تنها سرپناه همسر و فرزندان وی است. قانون در مقابل زن و سه فرزندی که تنها سرپناه آن‌ها مصادره می‌شود چه مسئولیتی دارد؟ دستگاه‌های اجرایی ما چه وظایفی دارند؟» در حال حاضر ۱۷ دستگاه و نهاد در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی بودجه و مسئولیت دارند اما باید پرسید جایگاه این دستگاه‌ها در کاهش عوارض اجتماعی جرم که بر نهاد خانواده تحمیل می‌شود، چیست؟ خانواده‌ای که تنها یک واحد آپارتمان داشته را مصادره کرده‌اند و اصلاً توجهی ندارند که یک زن با ۳ فرزند می‌خواهد چه کند؟ پاسخ این سوال به هیچ وجه برای دستگاه اجرای قانون مهم نیست»

شهیندخت مولاوردی بدون اشاره که کردن به نام محل گفت: «ما روستایی را در سیستان و بلوچستان داریم که تمامی مردان آن روستا اعدام شده‌اند. بازماندگان آن‌ها امروز قاچاقچی بالقوه هستند هم از این نظر که بخواهند انتقام پدران خود را بگیرند هم برای تامین منابع مالی خانواده‌ها، اما هیچ حمایتی از این افراد نمی‌شود.»

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه‌ای به حکم دادگاه بدوی در مورد سه هنرمند ایرانی اعتراض کرده است. مهدی رجیبیان و یوسف عمادی، دو موسیقیدان و حسین رجیبیان، فیلم ساز ایرانی، در انتظار حکم دادگاه تجدید نظر هستند.

به گزارش بی بی سی فارسی این سه هنرمند هر کدام در دادگاه بدوی به ۶ سال زندان به اتهام «تبلیغ علیه نظام»



و «توهین به مقدسات» و «انجام فعالیت هلی غیرمجاز سمعی و بصری» محکوم شده‌اند. سازمان عفو بین الملل در بیانیه خود با اشاره به اینکه این احکام نقض آشکار حق آزادی بیان است، نوشت: این احکام باید فوراً و بی قید و شرط نقض شوند.

مهدی رجیبیان موسس سایت موسیقی «برگ موزیک» است. یکی از اتهامات آقای رجیبیان این است که برگ موزیک با انتشار موسیقی زیرزمینی «قصد ترویج بی‌اعتنایی به مقدسات» را داشته است. بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری، مهدی رجیبیان، در حال ضبط پژوهش تاریخ ایران به روایت سه تار بود که تمامی آن پروژه با توقیف استودیوی شخصی و هارد دیسک‌های حاوی صداها ضبط شده متوقف شد.

یوسف عمادی نیز آهنگساز است و در زمان بازداشت مسئولیت فروش سی‌دی‌های سایت برگ موزیک را برعهده داشت.

اما حسین رجیبیان ارتباطی با سایت برگ موزیک ندارد. او پس از اتمام اولین فیلم سینمایی‌اش دستگیر و این فیلم که دارای مجوز ساخت هم بود توقیف شد و هنوز تصاویر و صداها نهایی شده فیلم به او بازگردانده نشده است.

چهل سازمان غیردولتی و بیش از ۷۵ کارتون‌نویست بین‌المللی در نامه‌ای به حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، خواستار آزادی آتنا فرقدانی، نقاش، کنشگر حقوق مدنی و حقوق کودک شدند.

امضاکنندگان این نامه که شبکه بین‌المللی حقوق کارتون‌نویست‌ها آن را منتشر کرده، می‌گویند دولت ایران با آغاز روابط جدید خود با جامعه بین‌المللی، موفق به آزاد کردن گروهی از زندانیان عقیده، از جمله جیسون رضاییان، خبرنگار واشینگتن پست شده است. آنها افزوده‌اند «بر پایه

چنین عملکرد بسیار مثبتی، ما از آن جناب می‌خواهیم با قوه قضائیه مذاکره کرده و مراتب آزادی آتنا فرقدانی که به خاطر انتشار یک کاریکاتور ساده در اینترنت، زندانی شده، را فراهم کنید.»

آتنا فرقدانی یک‌بار در شهریور ماه سال ۱۳۹۳ توسط ماموران سپاه پاسدارن بازداشت، اما به قید وثیقه آزاد شده بود. او در مصاحبه‌ای با وبسایت «جرس» گفته بود که نقاشی‌های انتقادی‌اش و همچنین ارتباطش با خانواده قربانیان اعتراضات ۸۸ و بهائیان محور اصلی بازجویی‌هایش بوده است.

سازمان‌های غیردولتی و کارتون‌نویست‌هایی که نامه اخیر را به رئیس‌جمهوری ایران امضا کرده‌اند، ابراز امیدواری کرده‌اند که حسن روحانی بتواند قوه قضائیه را مجاب



کند، اتهامات فرقدانی را کنار گذاشته و به اجرای حکم او پایان دهد.

آنها می‌گویند جهان، با امید، به آزادی آتنا فرقدانی نگاه می‌کند، آنچه می‌تواند اثبات حمایت ایران از آزادی اندیشه و آزادی بیان در کنار دیگر حقوق شناخته‌شده بشری باشد.

رابرت راسل، مدیر اجرایی شبکه بین‌المللی حقوق کارتون‌نویست‌ها، در کنار گروهی دیگر از کارتون‌نویست‌ها و شخصیت‌های فرهنگی و نیز سازمان‌های غیردولتی مانند «آرتیکل ۱۹»، انجمن‌های روزنامه‌نگاران در بلاروس، برزیل، رومانی، پاکستان و دیگر کشورها، خبرنگاران بدون مرز، انجمن بین‌المللی قلم و سازمان‌های وابسته به آن در کانادا، دانمارک، بنگلادش یا آمریکا از جمله امضاکنندگان این درخواست هستند.

ما حقوق

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران/ محمود امیری مقدم
سر دبیر: مدیر سمیع نژاد
تماس با مجله: mail@iranhr.net

